

این نوشتار رونوشت جزوهای خطی به خط علیمردان خان والی زاده معجزی (پدر آقای محمد رضا معجزی) است که در عصر روز جمعه ۱۷ دیماه سال ۱۳۴۴ شمسی مطابق با ۱۴ رمضان المبارک سال ۱۳۸۵ قمری در منزل انجام گردید. (حسام الدین فیاضی)

بسم الله الرحمن الرحيم - حمد و سپاس فزون از قیاس خداوندی را سزاست که از نیستی آدم را به هستی وجود آورده و عقلی و معرفت آموخته و پیغمبر خاتم حضرت محمد رسول الله برآستی و درستی به میان بندگان فرستاده و خلیفه و جانشینی او را علی ابن ابوطالب علیه السلام قرار داده با یازده فرزند و فرزند زاده اش امام برحق و دین مبین اسلام را بر پا نموده و قرآن مجید را به خلعت رسالت حضرت خاتم الانبیاء محمد رسول الله صلی اله علیه و آله نازل فرموده اما بعد مخفی نماند مطابق کتاب موسوم به انیس المسافر تألیف جلالتمآب اجل اکرم افخم آقای غلامرضا خان والی پشتکوه که در سنه ۱۳۳۹ بچاپ رسانیده و شرحی از حالات گذشتگان فامیل و سلسله جلیله والیهای لرستان فیلی درج نموده بر حقیر راقم لازم گردید که از روی آن تاریخ که صحیح و مهمترین نسخه های تاریخی است برای فامیل والی زاده های خرم آبادی و برای اولاد و کسان خود یادداشت نماید که آباء و اجداد گرام خود را بدانندو دعای خیر در حق این حقیر نمایند.

در تاریخ سلسله اجداد

در مقدمه لازم دانست که مختصر تاریخ آباء و اجداد خود را در این کتاب مذکور دارم که آقایان عظام و برادران ذوی الفز و الاحترام والا کرام از رشته سلسله جلیله ولات فیلی [۹] مأب [۹] اسم بی

لرستان پژوهی، سال ۱، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۷

اطلاع نمانند. اگر چه این حقیر از توقیر و احترامات ولات فیلی مغفور کامل ننوشته ام و ذکر ننموده‌ام ولی جناب مستطاب آقای سید جعفر امیرالاشراف [؟] نسابهای است در امروز فرید عصر و وحید فرمان شهیداله چندان اوصافی از او ذکر ننموده‌ام، موکول به بیانات او نموده ولی اختصاراً چیزی که در کتب خودشان ذکر نموده‌اند و خود این حقیر مراتب شئونات آنها را شناخته‌ام، این است که اول سلسله ولات منصور جد والی‌ها است رشته و اعقاب او تا حمزه اکبر که مدفن او در خاک میان دشت که از خاک پشتکوه است نسلاً بعد نسل منتهی می‌شود به والی. قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام رشته سلسله جلیله ولات مغفور فیلی است. غلامرضاخان ابن مرحوم حسینقلی‌خان والی لرستان فیلی ابن مرحوم حیدرخان والی ابن مرحوم محمد حسن‌خان والی لرستان ابن اسدخان ابن اسمعیل‌خان والی لرستان فیلی ابن شاهوردی‌خان ابن منوچهرخان والی لرستان فیلی ابن حسین‌خان والی ابن شاهوردی‌خان ثانی ابن حسین‌خان ثانی ابن منصور بن زهیر ابن طاهر بن منصور ابن محمد ابن المرصفی ابن منصور ابن ابی الحسن الدنیق ابن احمد العجان ابن الحسین ابن العلی ابن عبدالله ابن حسین ابن خمره الاکبر ابن عبدالله شاعر ابن عباس الخطیب ابن الحسن ابن عبدالله العمیده ابن حضرت ابوالفضل العباس ابن امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام است. در حینی که منصور از عشایر ربیعہ رو به ایران حرکت نموده نزد شاهوردی‌خان احمدی آمد و خود شاهوردی‌خان را از جانب سلاطین صفویہ رئیس بر عشایر ایلات پشتکوه و پیشکوه قرار دادند، همشیره خود را به منصور داده و از همشیره شاهوردی‌خان احمدی حسین بیک متولد شد. پس از زمانی شاهوردی‌خان بنای سرکشی را گذارده، شاه جنت مکان شاه عباس جمعیت زیادی با خود رو به لرستان حرکت کرده پس از استماع ورود موکب شاه جنت مکان به خرم‌آباد شاهوردی‌خان قرار اختیار نموده به قلعه‌ای که در خاک پشتکوه است و معروف است به قلعه چنگله مقر توطن خود قرار داده و خود شاه عباس در همان نقطه خرم‌آباد توقف کرده حکم به یکنفر از سرکردگان قشون نموده که تعاقب شاهوردی‌خان کرده در بین راه با شبانی ملاقات کرده از او سؤال نمودند که کسی از این خط گذشته است یا خیر، شبان جواب داد چند سوازی یا کلفت دیدم از این خط عبور نمودند معلوم کردند که شاهوردی‌خان از این طرف رفته است. همه جا تا به قلعه چنگله پاننده هست و سکنی نموده‌اند. آنها هم اطراف قلعه را محاصره نموده در بین دعوا که حصاری بودند، خود شاهوردی‌خان امان خواسته امان دادند شاهوردی‌خان از قرار معلوم با صاحب قلعه قرابت تامی داشته او را از قلعه بیرون آوردند و سردار قشون، شاهوردی‌خان را زنده به خدمت شاه عباس برد. پس از حرکت دادن شاهوردی‌خان به خدمت شاه عباس، قلعه را تمام غارت کرده مقدار گزافی ابریشم خام از قلعه به یغما بردند از قرار مذکور تمام اراضی دور قلعه مزبور درخت توت و ابریشم کاری زیادی در آن محل شده است.

تهای که فوق قلعه چنگله بوده قریه معتبری در آنجا احداث بوده و نخلستانی زیاد داشته است. تا زمان دعوای عرب و عجم، آباد بوده در زمان ماموریت و سرداری سعد و قاص که از جانب عمر رضی اله عنه، قلعه در همان مکان احداث کرده بود و حال هم اثری از آن قلعه معلوم است. پس از چندی

سیلاب زیادی از اطراف قلعه آبادی و نخلستان او را خراب نموده و ایضاً در سرگذشت شاهوردی خان چون او را به حضور شاه عباس آوردند از او سؤال نمود که رخساره شما را زرد می‌بینم. جواب عرض کرد که آفتاب در وقت غروب زرد می‌شود. شاه از این سخن در غضب شد حکم به قتل او نمود بعد از دو روز حسین بیک خواهر زاده او که معرف شاه غفران مآب بود او را احضار کرده، فرمودند که ریاست لرستان را به شما وا می‌گذارم جواب عرض کردند که من یکنفر هستم نمیتوانم از عهده این امر برآیم. به دلیل اینکه حضرات شاهوردی خان صاحب قبیله می‌باشد به این واسطه ممکن نیست. بعد از ادای جواب سؤال، شاه فرمودند مرخص هستید بروید ولی ابزار این مطلب را ندهند شاید فکری در این مورد بنمایم. بعد شاه امر فرمودند که یکنفر برود و قوم و قبیله شاهوردی خان را حاضر به دربار بکند که هر کدام سزاوار امر ریاست هستند فرمان و خلعت به او داده شود. به مجرد شیوع این خبر حضرات شاهوردی خان هر یک به دارالسلطنه حاضر شدند که هر کدام مترصد صدور مرحمت و فرمان خلعت بودند پس از احضار، شاه امر به قتل تمامی آنها فرمود و بالمره آنها را معدوم صرف ساخته مقبره تمام آنها در تپه مشهور شاه آباد که محل مضرب خیام دارا احتشام شاه آباد خرم آباد بود مقرر و مقدر شد. پس از قتل شاهوردی خان، حسین بیک را شاه احضار فرمود و تکلیف امر ریاست را به او نموده فوراً اطاعت نمود امر و فرمان مبارک را صادر و خلعت آفتاب طلعت ریاست کل لرستان را صادر کرده بعد از برقرار کردن حسین بیک، شاه جنت روان بطرف اصفهان حرکت فرموده و پس از چندی حسین بیک فوت نموده و در امامزاده واجب التعظیم شاهنشاه دفن شد. از حسین بیک یک پسر موسوم به شاهوردی خان به جا ماند و از جانب شاه غفران مآب به خانه ملقب به لقب خان نایل گردید و مدتی به امر خدمات مرجوعه لرستان قیام نموده و خدمات دولتی را انجام داده تا زمانیکه فوت شد و آنهم در امامزاده مذکور مدفون است. بعد از او منوچهرخان پسرش در جایش به امر ریاست لرستان برقرار گردید و بعد از فوت او هم پسرش حسینخان ثانی ریاست لرستان را نمود و خدمات لرستان را به حسنخان ثانی مقرر فرمودند تا زمانی که عشیره قره‌الوس که سالهای سال بود از خاک عثمانی آمده بودند و پناهنده دولت علیه ایران شده و در خاک نیاوند سکنی نموده بودند، بدون مرخصی دولت عثمانی رو به محل و مکان سابق خودشان فراری شده و رفته بودند. به محض و مجرد خبر و اطلاع یافتن حسین خان با سواره جمعیت خود و بدون حکم شاه آنها را متعاقب نموده در سر پل کردند به آنها رسیده و دچار شده بقوه چبیره و قهراً عودت بطرف نیاوند داده. شاه غفران مآب از این خدمت حسین خان خرسند گردید او را به لقب والیگری لرستان فیلی نایل و سرافراز فرموده و از آن تاریخ تا کنون هذا یومنا تمام ولات والی‌گر لرستان فیلی برقرار گردیده‌اند و ملقب والی شد و سوارپای رکابی را مرحوم فیلی خان ثانی در لرستان بنا نهاد و برقرار نمود و پس از مدت زمانی حسینخان مرحوم شد و مقبره او هم در امامزاده شاهنشاه علیه الرحمه مدفون است. بعد از مرحوم حسینخان علی مردانخان والی پسر بزرگ او در جایش به امر والیگری لرستان برقرار گردید. دو پسر مرحوم حسینخان یکی علی مردانخان والی بود و یکی شاهوردی خان. برای امر ریاست باهم نزاع نموده ناچار علی مردانخان شاهوردی خان را کور نمود و از شاهوردی خان کور مرحوم اسمعیل خان بوجود آمد و از

علی مردانخان. نظرعلی خان. مرحوم علی مردانخان والی به امر اعلیحضرت نادری به سفارت به اسلام بول رفت و در آنجا فوت نمود و در همانجا که به مقام امام زین العابدین مشهور است، مدفون است. پس از مرحوم علی مردانخان والی، امر والیگری لرستان به نظرعلی خان پسرش موکول گردید و مدت چهار سال در لرستان ریاست نمود تا مرحوم گردید و پس از نظرعلی خان پسر علی مردانخان والیگری به اسمعیل خان پسر شاهرودی خان کور رسید. بعد از مدت هشتاد سال مرحوم گردید و چند آبادی در اصفهان خریداری نمود و بموجب قباله جات صحیحه مقبره و تعمیر نمود که نقداً آن قباله جات در نزد حقیر موجود است و از آن مرحوم بعد از خودش دو پسر باقی مانده یکی محمدخان و یکی اسدالله خان و مرحوم اسدالله خان هم دو پسر داشت یکی محمدحسن خان و یکی محمد حسین خان و بعد از فوت اسمعیل خان امر والیگری به محمدخان رسید و اما میانه محمدخان و حضرات لرستانی برودت و مغایرتی به هم رسید و در خیال کشتن محمدخان برآمدند و در هر لباس بود او را بقتل رسانیدند و بعد از محمدخان امر والی گری لرستان در زمان سلطنت شاه شهید آقامحمدخان نوراله مرقده به محمد حسن خان برادر زاده او تفویض فرمود. بعد از مدت نود سال عمر در سنه ۱۲۵۵ مرحوم گردید. بعد از او از جانب دولت جاوید آیت و سلطنت کبریا امر والی گری صفحات ثلاثه پشتکوه به مرحوم حیدرخان محول فرمودند و پس از چهار سال عمر وفات یافت. اولاد معروف او حسینقلی خان والی والدین حقیر در زمان سلطنت شاهنشاه سعید شهید ناصرالدین شاه نوراله مرقده که مرحوم فرهاد میرزای معتمدالدوله صاحب اختیار ایالات ثلاثه لرستان و بروجرد و عریستان بوده امر والی گری پشتکوه را به حسینقلی خان والد این حقیر تفویض و واگذار فرموده در زمانی که والی پشتکوه بوده معدن نمکزار که مشهور به مشهد در خاک مقدسه دولت ایران است در زمان حکومت عباسقلی خان پسر عموی والی والد، چندی مامورین عثمانی نمکزار مزبور را تصرف نموده بودند. اول خدمتی که والی والد به دولت نموده فقره تصرف نمودن نمکزار مزبور بوده است. موسی خان برادر خودش و میرزا موسی پیشکار خود را سرکرده جمعیت پشتکوهی نموده به مجرد ورود جمعیت در نمکزار مزبور محمد پاشا سر عسکر و خسته طاقور عسکر عثمانی جهت منع و طرد جمعیت پشتکوهی وارد شده بعد از تلاقی خریقین جدال در گرفته به فاصله دو سر ساعت جنگ، یکنفر یوزباشی عسکریه با دو نفر چاوش از عسکر عثمانی بقتل رسید و شکست فاحش به آنها دادند که از همان تاریخ الایومنا هذا، نمکزار مزبور در تصرف رعایای پشتکوهی است و در همان اوان در زمان حکمرانی مرحوم امامقلی میرزا عماد الدوله بمنصب سرتیپی از درجه اول جریان یک هزار تومان موجب مفتخر و سرافراز گردید و در زمان حکمرانی مرحوم امیرخان سردار سپهسالار در لرستان به لقب نبیل جلیل صارم السلطنه سردار اشرف سرافراز شده در مدت شصت و پنج سال عمر والی والد از دنیا به سرای عقبی رحلت کرد و بعد از فوت والی ولد در عهد سلطان عادل باذل مرحوم مظفرالدین شاه نورا له مضحجه تمام شؤنات و امتیازات والیگری پشتکوه و پیشکوه لرستان را به این حقیر مرحمت و سرافراز فرمودند و اگر چه بعد از فوت والی والد چند فقره خدمات شایان و نمایان خود حقیر به دولت نموده که شرح آنها را در این مورد صحیح نمی دانم لیکن زانجمله یکی حکایت ومسئله

اراضی صیقلی و ملکائی و باغائی می باشد که از خاک مقدسه دولت ایران است و هر ساله دولت عثمانی محض تحریق و تخریب کشت و زرع اراضی مذکور سوق عسکریه می نمودند و اراضی مذکور ما به انتزاع قرار می دادند. این حقیر نظر به دولتخواهی و پاس حقوق نمک دولت عم محترم خود جوادخان سرهنگ را با سه چهار هزار سوار و تفنگچی عده در سنه ۱۳۲۶ حرکت داده برای منع و جلوگیری عساکر عثمانی که با دو عراده توپ کروب آمده بودند و دعوای فریقین در گرفته به قبال بی زوال دولت بطوری عساکر عثمانی را شکست فاحش داده که جمعی از آنها را دستگیر اسیر نموده و تقریباً یکصد و بیست نفر در مابین مقتول گشته نوعی شکست به عسکر عثمانی روی داد که در تمام کتب تاریخی و روزنامهجات مندرج گردید که از آن تاریخ به بعد دولت عثمانی پیرامون اراضی مذکوره نگردید و در تصرف دولت علیه ایران منتقل گردید. لهذا می دانم خواننده را اسباب تصریح خواهد بود اما مختصر از مفصلی زحمت داده شد زیاد باید آقایان عظام و خوانین ذوی الاحترام بحثی برحقیر وارد نیاورند.

بسم اله الرحمن الرحیم - خدایا امید به تو هو حق هوالعلی الاعلی

این حقیر راقم الحروف علی مردانخان والی زاده معجزی لازم دانسته مختصری از اجداد خود را در این رساله گنجانیده که اولاد مرحوم علی مردانخان که جد بزرگ این فامیل علی مردان خانی است بدانند اسامی پدران خود را و اینجانب را به دعای خیر یاد فرمایند اولاً شرح حالات ولات لرستان که قبلاً مرحوم غلامرضاخان والی پشتکوه ذکر نموده اجداد فامیل علی مردان خانی و شاهوردی خانی تا منتهی می شود به مرحوم حسین خان ثانی که ملقب به منصب والی گری شده است و از اولاد مرحوم حسین خان یکی مرحوم علی مردان والی جد بزرگ اینجانب است و یکی مرحوم شاهوردیخان جد والی پشتکوه و قسمتی از والی زاده های خرم آبادی است. شرح اولاد مرحوم علی مردان خان جد بزرگ اینجانب است نظر علیخان ابن علی مردان خان مذکور. علی مردان خان معروف به علی مردان خان کوچک پسر نظر علی خان است علی مردان خان کوچک دارای سه نفر پسر بوده که موسی خان آقا شجاع خان و ابوالفتح خان - آقا موسی خان و آقا شجاع خان از یک مادر بوده اند و مادر آنها دختر محسن بوده و ابوالفتح خان از یک مادر بوده که مادر او هم کلفت میان خانه علی مردان خان بوده که او را صیغه نموده است و اولادهای آنها آقا موسی دو نفر پسر که یکی مرحوم خانجان خان باشد و دیگری محمد تقی خان و یک دختر آقاشرف خانم که مادر محمد تقی خان و آقاشرف یکی بوده از طایفه دلفان و مادر مرحوم خانجان خان صبیبه مرحوم جعفرخان والی بوده که آغا مروارید خانم نام او بوده و اولاد های آقا شجاع عوضعلی و شهبازخان و پسر شهبازخان، هاشم بوده که قطع نسل آنها گشته و از دنیا رفته بدون اولاد که جز دختری آنها بی اولاد از آقا شجاع کسی نماند و مرحوم خانجان خان که پدر بزرگ اینجانب راقم الحروف است دارای شش پسر و دو دختر بوده اسامی اولادهای او پسر بزرگ او اسدخان، معجزعلی خان پدر این حقیر که با مرحوم اسد از یک مادر بوده اند که اسم مادر آنها مرحوم جواهر خانم است که اول عیال مرحوم شاهزاده محمد علی میرزا پسر فتحعلی شاه بوده بعد از او خانجان خان او را گرفته و عیال بزرگ او بوده و دارای ثروت زیاد بوده که با مال و ثروت خودش مرحومه جواهر خانم املاک معروف به مادری واقعه در محل ده پیر و قلعه ده پیر را خریداری نموده است که

فعلاً آن املاک از ارث مرحومه خانم با سایر اراضی که در محل چگنی معروف به ملک میش آخور و زمین قبر مهتر و پای منار که تماماً از او بوده به اینجانب علی مردانخان ابن مرحوم معجز علی خان رسیده است و سایر املاک ده پیر را هم مرحوم اسدخان از مرحوم مادر محمد تقی خان و آغاشرف خواهرش از ارث پدری خریداری نموده است که آن هم حسب الارث مرحوم اسدخان عموی پدری و مادری اینجانب که اولادی نداشته به این جانب رسیده است و از کلیه املاک ده پیر پدری که هفت سهم بوده چهار سهم به این جانب رسیده است و سایر ورثه تماماً سه سهم دارند و اولاد و مرحوم معجز علی خان منحصر به این جانب راقم الحروف بوده و هست و بعد جهت تمام املاک ده پیر واقعه در محل ده پیر معروف به قلعه خانجان خانی آنچه اراضی معروف به پدری است که هفت سهم است و ثبت شده چهار سهم مال این جانب است و آنچه املاک معروف به مادری است آنهم تمام مال این جانب است به استثنای هیجده یک او را که مرحومه والده این جانب مرحومه کربلایی شکر بانو فروخته است از هیجده سهم، هفده سهم مال اینجانب است یک سهم مال غیر است که آنهم از لچ و ناحق به مصرف فروش رفته است و اولاد اینجانب پسر بزرگ این بنده محمدرضاخان است و سه پسر دیگر از یک مادر، محمد میرزا و محمد حسین و منوچهر که آنها کوچک می باشند و الحمدلله محمدرضاخان دارای معلومات و باقلم و هنر می باشد و دارای یک پسر کوچک است که از دختر مرحوم سردارخان عموزاده اینجانب دارد و نام عموی خود را مرحوم اسدخان به او نهاده ام. امیدوارم به مولای خودم امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب که در تحت سرپرستی پدرش محمد رضا بزرگ شود با عزت و جلالت و عمر طولانی و دولت و ثروت زندگی نماید. سایر اولاد های مرحوم خانجان بعد از مرحوم اسدخان و پدر اینجانب معجز علی خان، پایی محمدخان، اسمعیل خان، منصورخان و سلیمان خان که دو نفر اخیر از یک مادر بوده اند و سهم ملک سلیمان خان را مرحوم اسدخان از منصورخان خریداری نموده است و دو دختر مرحوم خانجان خان آغا بانو و فاطمه سلطان که سهم ملک آنها را پدر اینجانب و مرحوم اسدخان از آنها خریداری نموده اند. اولاد مرحوم پایی محمدخان منحصر است به مرحوم سردارخان که آن هم فوت شده و پسری داشت در کوچکی فوت شد و فعلاً چهار نفر دختر دارد که یکی از آنها آغاهاجر خانم نام دارد و عیال محمد رضاخان است و اولادهای اسمعیل خان، غلامرضا و موسی و ابراهیم و اولاد مرحوم منصورخان منحصر است بیک نفر خسرو نام که هنوز او هم اولادی ندارد مگر بعد و این توضیحات را برای فامیل خود شرح دادم که هر کدام از اسامی پدران خود استفاده نمایند و بدانند اسامی پدران خود را و اینجانب را به دعای خیر یاد نمایند بتاريخ لیله ۶ دیماه ۱۳۱۷ مطابقه چهارم ذیقعدة الحرام ۱۳۵۷ قمری.